

پیامدهای احتمالی حمله اسرائیل به قطر

روح...سوری

کارشناس مسائل بین الملل

حمله اسرائیل به قطر رخدادی مهم با تأثیراتی بزرگ بر خاورمیانه و مناسبات این منطقه با قدرت‌های بزرگ است که با آسانی نمی‌توان از کنار آن گذشت. قطر، عربستان، امارات متحده عربی، اسرائیل، مصر، ترکیه، ایران، روسیه و چین از جمله بازیگرانی هستند که هر کدام به نحوی از این رخداد متاثر خواهند شد.

در درجه نخست قطر به عنوان کشوری کوچک و ثروتمند که سال‌هاست خود را چهارراه دیپلماسی منطقه‌ای می‌داند دیگر به مانند سابق لااقل در کوتاه مدت و میان مدت قادر به ایفای چنین نقشی نخواهد بود یا حداقل با چالش‌های جدی در تداوم این نقش روبه‌رو خواهد شد.

آنچه می‌توان مورد اشاره قرار داد این است که همکاری هم‌زمان با بازیگران متعدد که بعضاً دارای تضاد منافع جدی نیز با یکدیگر هستند اگرچه تاکنون برخی منافع از جمله نوعی پرستیژ دیپلماتیک برای قطر به همراه داشته اما ظاهراً تحولات منطقه پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ بازی روی طاب را برای کشوری همچون قطر، تا حدود زیادی سخت کرده است.

قطر طی حدود دو ماه اخیر یک بار از سوی ایران (حمله به پایگاه نظامی آمریکا) و یک بار هم از سوی اسرائیل به دلیل حضور مقامات حماس مورد حمله قرار گرفته است. قطر چندین سال قبل هم به خاطر حمایت از سیاست‌های ایران و حماس مورد غضب شدید کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قرار گرفته بود. مجموعه چنین عواملی به هر حال امروز تداوم راهبرد میانجی‌گرانه و تماس هم‌زمان قطر با کشورها و گروه‌های درگیر اختلاف را با موانع جدی مواجه کرده است.

این موضوعی است که تا همین جا به‌طور مستقیم دو کشور عربستان و امارات را تا حدود زیادی خرسند خواهد کرد. به ویژه اگر توجه داشته باشیم که قطر به همراه ترکیه طی سالیان اخیر نقش مهمی در تقویت و حمایت از محور اخوانی در منطقه داشته است. فراتر از آنچه گفته شد تأثیری است که این حمله بر مناسبات کشورهای خلیج فارس با قدرت‌های بزرگ برجای خواهد گذاشت.

ایالات متحده آمریکا دهه‌هاست که نقش مهمی در تضمین امنیت کشورهای خلیج فارس برعهده داشته است. سیاست آسیا محوری آمریکا از زمان اوپاما و سیاست اول آمریکای ترامپ از کشورهای عربی منطقه خلیج فارس را در سال‌های اخیر به سمت تنوع بخشی در روابط خود و نزدیک شدن به روسیه و چین ترغیب کرده اما باید توجه داشت که این نزدیکی تنها محدود به حوزه‌های اقتصادی و سیاسی بوده و آمریکا همچنان نزد این کشورها جایگاه نخست و انحصاری خود را در موضوع امنیت حفظ کرده است.

در مقابل اما حمله اخیر اسرائیل و پیش از آن حمله ایران به پایگاه نظامی آمریکا در قطر، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را در مورد اطمینان از تضمین‌های امنیتی آمریکا با تردیدهایی روبه‌رو خواهد کرد و در صورت تداوم چنین حملاتی دور از انتظار نخواهد بود که عزم این کشورها برای تغییر در نوع روابط امنیتی خود با آمریکا را شاهد باشیم. حمله اسرائیل به قطر از جنبه‌های دیگری هم می‌تواند بر روابط درونی کشورهای عربی با یکدیگر و همچنین روابط آنها با اسرائیل تأثیر بگذارد. چنین حمله‌ای می‌تواند کشورهای عرب را به این نتیجه‌گیری برساند که تداوم وضعیت میان اسرائیل و غزه قادر خواهد بود پیامدهای غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی را در آینده نزدیک برای کل منطقه به همراه داشته باشد. می‌توان پیش‌بینی کرد که حمله اسرائیل به قطر به نزدیک کردن کشورهای عرب خاورمیانه به یکدیگر بینجامد اما این نزدیک کردن بسیار بعید است که به نوعی هم‌اوردی کشورهای عرب و قزاقیزایی علنی آنها در برابر اسرائیل منتهی شود. می‌توان حدس زد که چنین نزدیکی میان کشورهای عربی بیشتر در ارتباط با هم افزایی و همگرایی آنها به منظور یافتن راه‌حلی برای حل هرچه سریعتر مساله غزه باشد.

آنچه در این راه حل احتمالاً برجسته خواهد بود فشارهای سیاسی کشورهای عرب برای پذیرفته شدن شروط اسرائیل و آمریکا ازسوی حماس و توافق در خصوص غزه بدون حماس در آینده خواهد بود. فشارهایی که حتی می‌تواند به کنارگذاشتن هیات سیاسی حماس از مذاکرات آتی نیز منتهی شود...

در درجه بعد احتمالاً شاهد نوعی کاهش و ایجاد محدودیت از سوی اعراب در روابط اقتصادی و سیاسی خود با اسرائیل خواهیم بود. این نوع رویکرد احتمالی را شاید در کنفرانسی مشترک از اعراب در همین هفته‌های اخیر شاهد باشیم رویکردی که ضمن انتقاد از رویه اسرائیل در غزه خواهان حل فوری جنگ غزه از طریق آزادسازی تمامی گروهان‌ها و البته کم‌رنگ شدن یا حذف حماس از معادلات سیاسی غزه خواهد بود. در سوی دیگر ما چرا، ایران تلاش خواهد کرد تا بهره‌برداری از این حمله و اینکه هیچ کشوری در منطقه از حمله مستقیم اسرائیل در امان نیست بر حقانیت رویکرد خود در قبال اسرائیل و پایان یافتن توافق ابراهیم تأکید کند.

جمهوری اسلامی ایران همچنین در سطح دیپلماتیک بر این موضوع متمرکز خواهد شد که کشورهای عربی را با مواضع خود در قبال اسرائیل همراه کند و احتمالاً این کشورها را به اتخاذ یک موضع‌گیری صریح علیه اسرائیل ترغیب سازد. اما به نظر می‌رسد در مورد ایران مهم‌ترین تأثیر حمله اسرائیل به قطر را باید احتمال تقویت مواضع سخت ایران در زمینه مذاکره با آمریکا درنظر گرفت. این حمله به احتمال زیاد به پررنگ شدن این برداشت نزد تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان ایران خواهد شد که مذاکره هیچ تضمینی برای در امان ماندن از حملات اسراوئیل و آمریکا ارائه نخواهد کرد و بدین ترتیب راه را برای کوتاه نیامدن ایران در برابر فشارهای اروپا و آمریکا هموارتر خواهد ساخت.

سید جلال ساداتیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

کشورهای عربی

به دنبال انزوای

اسرائیل باشند



ارتش مشترک عربی لازم است اما کافی نیست

اسرائیل با حمله به قطر قصد داشت از کشورهای عربی زهر چشم بگیرد

آرمان ملی – احسان انصاری: اقدام اخیر اسرائیل و حمله نظامی به جلسه سران حماس در قطر به خوبی نشان داد که کشورهای منطقه به چه میزان در معرض خطر قرار دارند و اسرائیل تا چه میزان می‌تواند امنیت منطقه را به مخاطره بیندازد. پس از این اتفاق بود که شاهد اتحاد کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی و همچنین ایده تشکیل ارتش مشترک کشورهای عربی هستیم. در همین راستا اجلاس اضطراری سران کشورهای منطقه در دو حه قطر برگزار شد و سران کشورهای عربی و اسلامی طی سخنرانی حمله رژیم صهیونیستی به دو حه را محکوم و بر لزوم مقابله با اقدامات این رژیم تأکید کردند. نکته مهم اینکه طرحی که با عنوان «خاورمیانه بزرگ» از آن یاد می‌شود صرفاً یک پروژه کشورگشایی یا توسعه طلبی کلاسیک نیست و بلکه برنامه‌ای بلندمدت و استراتژیک برای نظم بخشی به منطقه بر پایه منافع ایالات متحده آمریکا و اسرائیل است. در این چارچوب

ارزیابی شما از برگزاری جلسه اضطراری سران

کشورهای منطقه در دو حه درباره حمله اسرائیل به قطر چیست؟ آیا نتیجه این اجلاس متناسب به اهداف از پیش تعیین شده بود؟

کشورهای منطقه در مقابل خباثت و جنایتی که اسرائیل در دو حه انجام داد تصمیم به برگزاری این اجلاس گرفتند. حتی اگر این اجلاس نتیجه‌ای نیز به همراه نداشته باشد یک اقدام موثر در زمینه همگرایی منطقه‌ای به شمار می‌رود. کشورهای میانجی به دنبال این بودند که با زمینه‌سازی برای مذاکره اسرائیل و حماس خون انسان‌های بی‌گناه بیشتری در غزه ریخته نشود و جنایت‌های جدیدی رخ ندهد. این در حالی است که نتانیا هو با اقدامی جنایتکارانه به دنبال ترور سران حماس بود تا مذاکرات بین اسرائیل و حماس به نتیجه نرسد و در نهایت نیز عنوان کند دیگر کسی باقی نمانده که باوی درباره آینده غزه مذاکره کند. در واقع نتانیا هو نه به دنبال به نتیجه رسیدن این بازی و بلکه به دنبال به هم زدن این بازی است. وی در همین راستا همه ضوابط اخلاقی و قانونی را نیز پا گذاشته است. امروز همه کشورهای جهان به دنبال این هستند که حقوق بین‌المللی را رعایت کنند و به شکلی رفتار کنند که حقوق کشورهای دیگر ضایع نشود. در چنین شرایطی اسرائیل قرار دارد که به هیچ ضوابط و اصولی پایبند نیست و به دنبال این است که با زور و جنایت به اهداف خود دست پیدا کند. اسرائیل برای توجیه جنایت‌های خود دست به روایت‌سازی می‌زند و براساس روایت‌هایی که طرحی می‌کند اقدامات خود را انجام می‌دهد. در چنین شرایطی است که حداقل پس از جنگ جهانی دوم که اغلب کشورهای جهان تلاش کرده‌اند حتی به صورت اسمی حقوق دیگران را رعایت کنند اما این وضعیت درباره اسرائیل وجود ندارد.

زیاده خواهی اسرائیل در منطقه تا چه حد ادامه پیدا خواهد کرد؟

زیاده خواهی اسرائیل با حمایت آمریکا صورت می‌گیرد و تا زمانی که نتانیا هو احساس کند آمریکا از جنایت‌های وی حمایت می‌کند به این روند ادامه خواهد داد. البته لابی‌های صهیونیستی در آمریکا و کشورهای اروپایی به این وضعیت دامن می‌زنند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد رویکردی است که کشورهای عربی با این همه تروت و معاملات اقتصادی نسبت به موضوع اسرائیل در پیش گرفته‌اند. پرسش مهم این است که کشورهای عربی با وجود حجم معاملات اقتصادی و سرمایه‌گذاری که در کشورهای غربی انجام می‌دهند چرا به ترامپ و آمریکا فشار نمی‌آورند که تا این اندازه بی‌محابا از اسرائیل حمایت نکند؟ من فکر می‌کنم کشورهای عربی باید به ترامپ فشار وارد کنند که دست از حمایت از اقدامات جنایت‌کارانه نتانیا هو بردارد. امروز صدای اغلب کشورهای جهان نسبت به جنایت‌هایی که اسرائیل در



ایالات متحده در حالی که تمرکز استراتژیک کلان خود را متوجه چین کرده به دنبال آن است که اسرائیل را به قدرت مسلط منطقه‌ای تبدیل کند. قدرتی که بتواند از یک سو امنیت خود را تضمین کرده و از سوی دیگر به عنوان بازوی آمریکا در خاورمیانه عمل کند. چنین شبکه‌ای از روابط نه تنها جایگاه سیاسی و دیپلماتیک اسرائیل را ارتقا می‌دهد بلکه به آن امکان می‌دهد تا از نظر نظامی و فناوری نیز برتری قابل توجهی نسبت به همسایگان خود ایجاد کند. از منظر طرح‌ران این پروژه این برتری چندو چپی می‌تواند هم به تأمین امنیت کشورهای عربی منطقه منجر شود و هم برخی نیازهای اقتصادی آنها را برطرف کند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین دستاوردهای اجلاس اضطراری سران کشورهای منطقه در قطر با دکتر سید جلال ساداتیان تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

تسلط بر سرزمین‌های دیگر نیست، اما ترس و هراسی که در کشورهای دیگر ایجاد می‌کند در راستای سلطه طلبی است. در چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که آیا خوابی که وی برای منطقه دیده در نهایت تعبیر خواهد شد یا خیر؟ من فکر نمی‌کنم چنین اتفاقی رخ بدهند و امیدوارم که این خواب تعبیر نشود.

پس از حمله اسرائیل به قطر موضوع تشکیل ارتش مشترک عربی و یا ناتوی عربی دوباره مطرح شده و مصر به دنبال عملی شده این طرح است. به چه میزان احتمال تشکیل چنین ارتشی وجود دارد؟

این طرح خوب است و تشکیل ارتش مشترک عربی در مقابل اسرائیل که از حمایت آمریکا برخوردار است و از پیشرفته‌ترین ادوات نظامی بهره می‌برد می‌تواند یک اقدام مثبت به شمار برود. تکنولوژی باید برای رفاه انسان ها مورد استفاده قرار بگیرد در حالی که آنچه اسرائیل انجام می‌دهد استفاده از تکنولوژی برای کشتن انسان‌های بی‌گناه و جنایت است. کشورهای عربی نیز مانند همه کشورهای دیگر باید خود را به تجهیزات پیشرفته نظامی مجهز کنند که در دنیای امروز یک ضرورت به شمار می‌رود. با این وجود آنچه حائز اهمیت است استفاده کشورهای عربی از نفوذ خود به واسطه سرمایه‌گذاری اقتصادی، در راستای جلوگیری از جنایت‌های بیشتر اسرائیل است. در شرایط کنونی کشورهای عربی بیش از آنکه از قدرت سخت در مقابل اسرائیل استفاده کنند باید از قدرت نرم و دیپلماسی مانع از زیاده خواهی اسرائیل در منطقه شوند. در واقع امروز کشورهای عربی می‌توانند با دیپلماسی در این زمینه نقش تعیین کننده‌ای ایفا کنند. البته این مسأله باید در کنار تقویت بنیه نظامی این کشورها صورت بگیرد. به هر حال بلوکی که قصد دارد در مسیر توسعه با هم حرکت کند باید از نظر دفاعی نیز خود را تقویت کند تا دستاوردهای که به دست می‌آید پایداری بیشتری پیدا کند. اگر این اتفاق رخ بدهد یک قدرت بازدارندگی در سطح منطقه به وجود می‌آید که تعرضات اسرائیل جلوگیری خواهد کرد. من این طرح را لازم می‌دانم اما معتمد به نتایجی کافی نیست.

چرا این طرح را کافی نمی‌دانید؟

کشورهای عربی نباید تنهابه عملی کردن این ایده اکتفا کنند و بلکه بهترین رویکردی که می‌توانند در شرایط کنونی در پیش بگیرند این است که اسرائیل را منزوی کنند. کشورهای عربی می‌توانند در این راستا فشارهای دیپلماتیک خود را به اسرائیل افزایش بدهند و ارتباطات خود را با این رژیم قطع کنند. از سوی دیگر کشورهای منطقه نباید به اسرائیل در زمینه اقتصادی کمک کنند و ارتباطات خود در این زمینه را به صورت کامل قطع کنند و یا به حداقل برسانند. در چنین شرایطی اسرائیل زمین‌گیر خواهد شد و آمریکا نیز نمی‌تواند کاری کند.

گزارش

اجرای ایده «دولت» آغاز پایان اسرائیل

نه جهان به «اسرائیل بزرگ»

از ابتدای ظهور موجودیت «اسرائیل» در منطقه شرق مدیترانه، بسیاری از بازیگران منطقه‌ای – فرمانطقه‌ای با ارائه طرح‌های متعدد سیاسی – سرزمینی به دنبال حل مسالمت‌آمیز این مناقشه و متوقف کردن ماشین جنگی اسرائیل بودند. اقتصاد آنلابی نوشت؛ البته در این طرح‌های ارائه شده همواره وجود منافع مشترک هر یک از قدرت‌های تأثیرگذار و وابستگی آنها به یکی از بلوک‌های قدرت سبب شده است تا ابتکارانی نزدیک به منافع اسرائیلی‌ها یا فلسطینی‌ها ارائه دهند، اما در تمام آنها تلاش شده تا این بحران تاریخی- سرزمینی در نهایت پایان یابد. طرح صلح ملک عبدا... که برآمده از روح قطعنامه‌هایی همچون قطعنامه ۱۸۱ شورای امنیت است، این واقعیت تاریخی را تأیید می‌کند تا مردم فلسطین در سرزمین فلسطین دارای حق سرزمینی حاکمیتی هستند. در این ایده عربی کرانه باختری و نواغزه به عنوان جغرافیای سرزمین فلسطین شناخته شده و قدس شرقی پایتخت این دولت عربی خواهد بود. سال‌ها از طرح ملک عبدا... به عنوان ایده‌ای متناسب با واقعیت‌های منطقه یاد می‌شد، اما در سال ۲۰۲۴، امارات عربی متحده و بحرین مسیر متفاوتی را انتخاب کردند. کشورهای نام برده برای عادی سازی روابط با اسرائیل تصمیم گرفتند به جای منتظر ماندن برای حل مسئله فلسطین – اسرائیل، به صورت مستقل وارد فرایند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی شوند. هراس راست‌گرایان صهیونیست از کسبیت این دو دولت در جامعه جهانی به اوج خود رسیده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۲ سپتامبر با ۱۴۲ رأی موافق، قطعنامه «اعلامیه نیویورک» را تصویب کرد که نقشه‌ای برای زمان‌دار برای در دولت مستقل اسرائیل و فلسطین ارائه می‌دهد. این طرح شامل آتش بس فوری در غزه، خلع سلاح حماس و انتقال قدرت به تشکیلات خودگردان فلسطین است. نتانیا هو و ترامپ تنها با همراهی هشت کشور دیگر علیه آن رأی دادند. که این انزوای دیپلماتیک، نگرانی تل آویو از فشارهای بین‌المللی روه به افزایش را برجسته می‌کند. این ترس ریشه در سیاست‌های داخلی نتانیا هو دارد؛ جایی که ائتلاف راست‌گرا با گسترش شهرک سازی در کرانه باختری (از جمله توافق اخیر برای تقسیم این منطقه) عملاً امکان تشکیل دولت فلسطینی را نابود می‌سازد. تحلیل‌گران معتقدند، تثبیت دو دولت نه تنها کنترل اسرائیل بر سرزمین‌های اشغالی را به چالش می‌کشد، بلکه با محکوم کردن «اقدامات یک جانبه غیرقانونی» مانند شهرک‌سازی، مشروعیت اخلاقی و حقوقی اسرائیل را در مجامع جهانی زیر سؤال می‌برد. این تحولات که با اجلاس ژوئیه ۲۰۲۵ در نیویورک آغاز شد و اسرائیل آن را تحریم کرد، نشان دهنده چرخشی جهانی به سمت حمایت از فلسطین است، جایی که حتی متحدان سنتی مانند آلمان را قطعنامه حمایت کرده‌اند، هر چند شناخت فوری دولت فلسطین را به تعویق انداخته‌اند.

ترس اسرائیل از دو دولتی

این نگاه منفی عمدتاً از منظر امنیتی و ایدئولوژیک نشأت می‌گیرد، جایی که رهبران راست‌گرا مانند بنسئیل اسموتیچ و ایتمار بن‌گورین، بلافاصله پس از رأی‌گیری سازمان ملل، خواستار ضمیمه کردن کرانه باختری شدند. اسموتیچ در کنفرانس مطبوعاتی ۳ سپتامبر اظهار داشت: «سرزمین اسرائیل متعلق به مردم اسرائیل است، حتی تصمیم سازمان ملل آن را تغییر نخواهد داد»، این موضع، ترس از از دست دادن کنترل بر «پهودا و سامره» را آشکار می‌سازد. از نگاه تحلیلی تثبیت دو دولت در جامعه جهانی، با حمایت نامواریت و موقت سازمان ملل برای نظارت بر آتش بس و تضمین‌های امنیتی، می‌تواند به تضعیف روایت اسرائیلی از «تهدید وجودی» منجر شود. به ویژه که گزارش‌های سازمان ملل بیش از ۶۴ هزار کشته فلسطینی در غزه را به «محاصره و گرسنگی» نسبت می‌دهند. نتانیا هو در سخنرانی پیش از رأی‌گیری، صریحاً اعلام کرد «دولت فلسطینی وجود نخواهد داشت»، که این انکار، نه تنها به انزوای بیشتر اسرائیل در اجلاس ۲۲ سپتامبر نیویورک، جایی که فرانسه، بریتانیا و کانادا قصد شناخت فلسطین را دارند، دامن می‌زند، بلکه چرخه خشونت را تشدید می‌کند. این رویکرد ریشه در ترس از اینکه دو دولت، با تضمین‌های جمعی عربی- غربی، اسرائیل را به عقب‌نشینی از مواضع اشغالی وادار سازد، دارد و می‌تواند توافقی‌های ابراهیم را به خطر بیندازد. رویکرد امروز اسرائیل به عنوان یک استراتژی تهاجمی بقادر بر برابر فشارهای جهانی ظاهر شده است، جایی که مقامات اسرائیلی مانند دنی دانون، سفیر در سازمان ملل این قطعنامه را «سبک سیاسی» خوانده و ادعا کرده‌اند که حماس آن را به عنوان پیروزی تفسیر خواهد کرد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد این ترس، فراتر از ایدئولوژی، به نگرانی از فروپاشی ائتلاف داخلی نتانیا هو مربوط می‌شود، جایی که حمایت راست‌گرایان افراطی، بر پایه انکار دولت فلسطینی استوار است. با این حال اجلاس‌های آتی مانند قله ۲۲ سپتامبر، با حضور رهبران سعودی و فرانسوی، می‌تواند به شناخت رسمی فلسطین توسط بیش از ۱۹۰ کشور منجر شود، که این امر مشروعیت اسرائیل را در چشم جهانیان خدشه دار می‌سازد. از منظر واقع‌بینانه، تثبیت دو دولت تنها به ثبات منطقه‌ای، از جمله حمایت از اردن در برابر فشارهای جمعیتی کمک می‌کند، بلکه اسرائیل را از بالاق غزه رها می‌سازد. با این وجود بدون تغییر سیاست‌های تل آویو، این ترس به چرخه‌ای از انزوا و خشونت تبدیل خواهد شد، که نهایتاً امنیت بلندمدت اسرائیل را تهدید می‌کند.